

# چراغ هدایت

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

کتاب آزمون نهایی سی امین مسابقه  
درسهایی از قرآن  
ویژه دانش آموزان متوسطه و ششم ابتدایی

تدوین: محمد موحدی نژاد

سال تحصیلی: ۱۴۰۱-۱۴۰۰

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی

# قرآن درسهایی از

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی

بازدید رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شماره ثبت ۱۳۳۸۹

نام کتاب : چراغ هدایت ۲

(کتاب آزمون نهایی دوره سی ام)

برگرفته از : برنامه درسهایی از قرآن

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

تهیه و تدوین : محمد موحدی نژاد

طرح روی جلد و صفحه آرای: محمد ملایری

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست

- ۴..... مقدمه
- ۶..... «عصمت، شرط امامت.....»
- ۱۱..... «وظایف ما در برابر امامان معصوم (ع).....»
- ۱۳..... «رساله حقوق امام سجاد ع» (حق خدا).....»
- ۱۷..... «رساله‌ی حقوق» حق نفس (خودِ انسان).....»
- ۲۱..... «رساله حقوق (حق زبان).....»
- ۲۵..... «رساله‌ی حقوق، حق گوش.....»
- ۳۰..... «رساله حقوق (حق چشم).....»
- ۳۳..... «رساله‌ی حقوق (حق دست).....»
- ۳۸..... «رساله‌ی حقوق (حق پا: قدم برداشتن).....»
- ۴۱..... «رساله‌ی حقوق (حق شکم).....»
- ۴۵..... «رساله‌ی حقوق (حق نماز «۱»).....»
- ۴۹..... «رساله حقوق، (حق نماز «۲»).....»
- ۵۳..... نیاز انسان به دین.....»
- ۵۶..... «انسان و تکلیف».....»
- ۵۹..... «رساله حقوق (صدقه: نیازمندان).....»
- ۶۲..... «رساله حقوق: حق نیازمندان (۲).....»
- ۶۳..... چند داستان تاریخی؛.....»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ

الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

قطعا این قرآن به [آینی] که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که

کارهای شایسته می کنند مزده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود

سخنی با دانش آموزان گرامی

سلام علیکم

اکنون که با عنایت خداوند مهربان و راهنمایی والدین گرامی و مربیان و معلمان دلسوز و با حمایت مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش به ویژه اداره کل قرآن و عترت و نماز و مسئولین و دست اندر کاران سامانه شاد و مروجان محترم مسابقه درسهای قرآن در سراسر کشور توفیق درک محضر قرآن کریم را پیدا کرده و با شرکت در سی امین دوره مسابقه درسهای قرآن به مرحله آزمون نهایی راه یافته اید، فرصت را مغتنم شمرده سخنی برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت (ع) را با شما در میان می گذاریم.

درفضای پر التهاب کنونی ناشی از بحران بیماری همه گیر کرونا و هجمه اخبار و اطلاعات گوناگون در فضای مجازی که حجم بیشتر آن با هدف تضييع روحیه امید و نشاط در انسانهای مومن و معتقد به اصول انسانی تهیه و در قالب تولیدات سمعی و بصری جذاب ارائه میشود فقط اتکا به خداوند مهربان میتواند ما را از این خطرات نجات داده و امید به آینده ای روشن را در ذهن و روح ما زنده کند چرا که "الا بذكر الله تطمئن القلوب - یاد خداوند مایه آرامش است "

نعمت آرامش از بزرگترین نعمت های خداوندی است که در سایه عمل به دستورات الهی در کتاب آسمانی قران کریم وسیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بدست می آید بعضی فکر می کنند آسایش آرامش می آورد لیکن تجربه زندگی بحران زده انسانهایی که در آسایش کامل هستند لیکن آرامش ندارند صحت این مهم را ثابت می کند. پس بایدبا تمسک به آموزه های قرانی ایمان و اعتقاد خودرا به مبدا جهان هستی روز به روز بارور کرده وبا عمل صالح وتوصیه به حق وصبر سبک زندگی خود را قرآنی کنیم سلامتی وتوفیق روز افزون شما نوجوانان وجوانان عزیز قرانی را از خداوند تبارک وتعالی خواهانیم

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و  
الهمنی التقوی

## «عصمت، شرط امامت»



ما عقیده داریم بعد از پیامبر (ص) حضرت علی و یازده امام دیگر (ع) به دور از گناه و اشتباه و لغزش هستند. امروز مشکل اصلی دنیا در امامت و رهبری صحیح جامعه است و بیشتر رهبران کشورها جنایتکار و ظالم هستند که قرآن در باره آنها می-فرماید: «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص / ۴۱)، ( آنها «مردم و امت‌ها را منحرف کرده، و» به سوی آتش دوزخ می‌برند).

آری! عقیده‌ی ما شیعیان آن است که امامت مثل نبوت است و همانطور که پیامبر را باید خدا تعیین کند، امام جانشین پیامبر را هم باید خدا تعیین کند. ۱- امامت، انتصابی از جانب خدا است.

اهل سنت خلیفه بعد از پیامبر(ص) را با شورایی

مشخص کرده‌اند. حال! ما به آن‌ها می‌گوئیم: اگر می‌شود امام معصوم (ع) را شورایی انتخاب کرد که در صدر اسلام هم خلیفه اول را اینگونه انتخاب کردند، چرا الآن هم برای نجات بشریت، امام زمان (عج) را با شوری انتخاب نمی‌کنید. می‌گویند: خدا باید اراده و انتخاب فرماید. می‌گوئیم پس اولین امام را هم خدا باید انتخاب و منصوب نماید.



۲- «أولى الأمر» چه کسانی هستند؟.

روایاتی از معصومین (ع) داریم که: در زمان غایب بودن و نبود ما، مجتهد عادل، رهبر جامعه اسلامی است.

قرآن برای رهبری جامعه اسلامی، بعد از پیامبر (ص) می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ ...». (نساء، ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود (جانشینان پیامبر) اطاعت کنید.

\* نکته مهم:

خداوند در قرآن، جملات و واژه‌هایی دارد مثل: «لا تُطِيعُوا»، «لا تَتَّبِعُوا»، «لا تَتَّبِعُوا» یعنی؛ از یک سری گروه‌هایی اطاعت و پیروی نکنید. چون آن‌ها لیاقت رهبری جامعه را ندارند. مثلاً:



- « لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا » (انسان / ۲۴)، « آثم » : گنهگار.  
از گنهکاران اطاعت نکنید.

- « لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا » (انسان / ۲۴): از  
کافران اطاعت نکنید.

- « لا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ » (اعراف / ۱۴۲): از  
مفسدان اطاعت نکنید.

- « لا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ » (شعراء / ۱۵۱)، از  
مصرفان و ولخرج‌ها اطاعت نکنید.

- « أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ » (جاثیه / ۱۸): اطاعت  
نکنید.

- « ضَلُّوا مِنْ قَبْلِ » (مائده / ۷۷)، از بدسابقه‌ها اطاعت  
نکنید.

- « اتَّبِعْ هَوَاهُ » (کهف / ۲۸): از هواپرستان، آن‌ها که  
دنبال هوا و هوس خود هستند، اطاعت نکنید.

- « وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا » (کهف / ۲۸)، از انسان‌های غیر  
معتدل، (افراطی، تفریطی، تندرو یا کندرو)، اطاعت  
نکنید.

در نتیجه از این اطاعت نکنیدها، می فهمیم « اولی -  
الامر» در این آیه، تنها کسانی لیاقت رهبری و اطاعت  
دارند، امامان معصوم(ع) هستند.

مثال: اگر مسئول مربوطه‌ای به مردم بگوید: از لابیات  
استفاده کنید. بعد بگوید: ماست نخورید. پنیر  
نخورید. کره، سرشیر، خامه، روغن، دوغ، قرقرت  
نخورید. از این نخوریدها می فهمیم که شیر بخوریم.

حال که خداوند می فرماید: از این گروه‌ها اطاعت  
نکنید. پس در نتیجه می فهمیم که باید از (اولی الامر:  
امام معصوم)، اطاعت کنیم.



## «وظایف ما در برابر امامان معصوم ع»



### ۱- دوستی

قرآن در باره اهل بیت پیامبر (ع) می فرماید: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳). یعنی؛ آنها را دوست داشته باشیم. البته! دوستی که دنبالش اطاعت از آنها باشد، مورد تأیید است. ما افرادی داریم که به ظاهر دم از دوستی می زنند، اما در عمل دستورات آنها انجام نمی دهند. این نوع از دوستی فایده ندارد.

### ۲- اطاعت

قرآن می فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء / ۸۰)، اطاعت اولیای خدا، اطاعت خداست. همانطور که امام صادق (ع) می فرماید: کسی که سخن مجتهد عادل را رد کرده و اطاعت نکند انگار مرا رد کرده است. و در حقیقت، خدا و پیامبر را رد کرده است. (کافی / ج ۱، ص ۶۷).

### ۳- توسل

توسل به اهلیت (ع) یک نوع پیوند با آنها است. مثل باغدارانی که بعضی از درختان میوه را با بعضی از درختان میوه دیگر پیوند می‌زنند. آنگاه آن درخت میوه‌ای می‌دهد که به آن پیوند خورده است. ما هم که به ائمه (ع) توسل می‌جوئیم. باید رنگ و بوی آنها را گرفته و اعمال و رفتار ما هم شبیه آنها شود. و از این طریق به فیض اجابت دعا و خواسته‌ها هم می‌رسیم.

امام هادی (ع) هم در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: هر کس متوسل به شما شد، (در حقیقت) به خدا متوسل شده است. و هر کس به خدا متوسل بشود، راهش مستقیم است. که در نماز و در سوره حمد از خدا می‌خواهیم که: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه / ۶). ( خدایا! ما را به راه مستقیم هدایت فرما.) که راه مستقیم همان راه قرآن و اهلیت (ع) است.

## « رساله حقوق امام سجاد ع » (حق خدا)



### ۱- حق خدا بر بندگان

«فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ»: حق خدا آن است که بنده‌ی او باشی. چون او است که ما را خلق کرده است و خیر و مصلحت ما را می‌خواهد. پس لازم است او اطاعت و عبادت کنیم و هیچ کس جز خدا شایسته عبادت نیست. چون:

اول: اینکه اگر بخواهیم از هوی و هوس خود اطاعت کنیم خطاست برای اینکه قرآن می‌فرماید:

(چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است. و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید.). (بقره / ۲۱۶)

دوم: اگر بخواهیم از هر چه جامعه می‌پسندند، اطاعت کنیم، خطا است چون مردم هم نه خالق ما هستند و نه حقی به ما دارند و خود هم اشتباه

دارند، گاهی در یک دوره به فردی رأی داده و در دوره دیگر فهمیده‌اند اشتباه کرده‌اند.

سوم: اطاعت از قدرتمندان و طاغوت‌ها هم خطا است چون آن‌ها هم ظالم و ستمگر و پیرو هوی و هوس خود هستند.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: تو آزاد آفریده شده‌ای و نباید بله‌قربان‌گوی هر کس و ناکسی شوی.

پس در نتیجه، خداوند، شایسته و لایق اطاعت و عبادت است.



## ۲- شیوه عبادت و خواندن خدا

سؤال): اینکه خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات / ۵۶)، جن و انس را خلق نکردم، مگر برای این که بندگی کنند. خدا چه نیازی به عبادت ما دارد؟.

جواب): فرموده «لِيَعْبُدُونِ» نه «لِأَعْبُدَ» یعنی؛ می‌خواهم او بنده بشود تا تکامل یابد، نه اینکه می‌خواهم من عبادت بشوم. مثل اطاعت ورزشکار از مربی، برای نیاز مربی نیست بلکه برای پیشرفت ورزشکار است.

سؤال): اینکه خداوند می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر / ۶۰)، دعا کنید مستجاب می‌کنم. پس چرا دعا می‌کنیم مستجاب نمی‌شود؟.

جواب):

اول: اینکه می‌فرماید: «ادْعُونِي» : دعا کن. «دعا» یعنی؛ طلب خیر. از کجا خبر داریم این که از خدا می‌خواهیم خیر ما است، خدا است که از همه چیز خبر دارد. شاید برای ما شر باشد.

دوم: اینکه می‌فرماید: «ادْعُونِي»، یعنی؛ فقط از من  
بخواه. قرآن می‌فرماید: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ»  
(غافر / ۱۴)، یعنی؛ در دعا اخلاص داشته. و فقط از  
خدا بخواهید. شاید ما در دعا کردن، اخلاص  
نداریم که مستجاب نمی‌شود.





## «رساله‌ی حقوق» حق نفس (خودِ انسان)

### ۱- حقیقت انسان

حدود ۲۵۰ مرتبه در قرآن کریم کلمه‌ی «نفس» آمده است. یعنی؛ انسان باید به قدر و جایگاه خود توجه داشته باشد.

امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ.» (تحف العقول، ص ۲۵۶)

(اما حق خودت بر خودت آنست که از تمام قوه و نیروی خدادادیت؛ استفاده کنی و خودت را در مسیر طاعت خداوند قرار دهی.)

لذا ما باید توجه به استعدادهای خود داشته و کارهای خود مثل تحصیل و مطالعه، کار و خدمت به مردم را در راه رضای خدا انجام بدهیم. یعنی؛ کارها رنگ الهی داشته باشد. و عمر خود را تلف نکنیم.

مثال: به بچه‌ای که یک سکه طلا به دست دارد چون قدر و قیمت آن را نمی‌داند چه بسا حاضر شود که با یک

بستنی آن را عوض کند. ما هم چه بسا اگر به ارزش عمر خود توجه نداشته باشیم حاضر شویم با دنیا فانی و از بین رفتنی، آن را عوض کنیم.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «قیمت شما بهشت است، «ثمنک الجنة»، یعنی؛ اگر خود و عمرت را به غیر بهشت معامله کنی باختی‌ای.

## ۲- انواع شناخت

در باره انواع شناخت، از امامان معصوم (ع) نقل شده:

الف): « أَنْ تَعْرِفَ نَفْسَكَ » : خودت را بشناسی.

ب): « أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ » : بدانی چه صنعتی (از سلول و گلبول و وو،) در تو به کار رفته است. چگونه ساخته شده‌ای.

ج): « مَا أَرَادَ مِنْكَ » : خدا از تو می‌خواهد. (و از خلقت تو چه اراده‌ای کرده است.).

د): « مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ » : چه چیزی تو را از دین و خدا پرستی و حقیقت، بیرون می‌کند. (الکافی، چاپ

الإسلامية، ج ۱، ص ۵۰).

خداوند می فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰)، تو خلیفه‌ی من هستی. خلیفه‌ی خدا باید چکار کند؟.

- و در جای دیگر می فرماید: «فَضَّلْنَا» (بقره / ۲۵۳)، به تو فضیلت و برتری دادیم.

- و در آیه دیگر: «كَرَّمْنَا» (إسراء / ۷۰)، به تو کرامت دادیم.

- و: «فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴)، بهترین ساختمان‌ها (از جهت ساختمان بدن) را به انسان دادیم.

- و: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص / ۷۲)، در تو روح خداست.

- : «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره / ۳۱) : و خداوند همه‌ی اسما (حقائق و اسرار هستی) را به آدم آموخت. پس انسان برای دریافت تمام علوم، استعداد و لیاقت دارد.

و بعد هم فرموده: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون / ۱۴) : پس شایسته‌ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.

### ۳- شناخت هدف

بسیار مهم، حسّاس و سرنوشت ساز است که ما هدف از آفرینش خود را بدانیم.

مثال: وارد خانه‌ای می‌شویم که اطاق‌هایی دارد. نگاه می‌کنیم و از شرایط ظاهری آن می‌فهمیم که یکی اطاق پذیرایی و دیگری اطاق خواب و یکی دیگر آشپزخانه و یکی هم انباری و دیگری هم سرویس بهداشتی است.

حال! با توجه به عظمت خلقت انسان، سزاوار ما استعدادهای خدا دادی و هدف خلقت را فهمیده و در جهت آن حرکت و فعالیت کنیم.

قرآن می‌فرماید: یکی از زمان‌هایی که انسان خودش را بیشتر شناخته و از انحراف و اشتباهاتش پشیمان می‌شود و از عمر به باد رفته خود حسرت می‌خورد، قیامت است:

( در آن روز مجرم دوست دارد فرزندان خود را برای دفع عذاب فدیه دهد و فدای خود کند. و همچنین همسر و برادرش را. و بستگان و قبیله‌اش را که همیشه به او پناه دادند. (بلکه آرزو دارد) تمام مردم روی زمین را فدا کند تا او را نجات دهند. ) (معارج/ ۱۱ تا ۱۴).

## رساله حقوق (حق زبان)



### ۱- پرهیز از سخن ناپسند

می فرماید: «فَاِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا»، مواظب باش بد زبانی نکنی و دشنام فحش نده.

- «حَمَلُهُ عَلَى الْأَدَبِ»، مؤدبانه حرف بزن.

- «تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ»، به کار خیر عادت بده.

- «إِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ»، به هنگام نیاز از آن

استفاده کن. بیهوده و ناشایست و از روی هوی و هوس حرف نزن.

- «وَإِعْفَاؤُهُ عَنِ الْفُضُولِ الشَّنِعَةِ»، از حرف زیادی

پرهیز کن.

- «تَزِينُ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ»، زبان نشانه‌ی عقل انسان

است. (تحف العقول، ص ۲۵۷ و ۲۵۶) شاعر هم گفته:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

قرآن هم می فرماید: پادشاه مصر وقتی دید حضرت

یوسف (ع) چه خوب و مؤدب سخن می گوید، گفت: تو

قائم مقام من باش. و بعد هم گفت: حکومت مصر برای تو. (یوسف / ۵۴).

در روایت دیگری داریم: خداوند بهشت را بر بدزبانان حرام کرده است. (بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۰۷)،

\* خاطره امام صادق(ع) و سماعه؛

شخصی به نام سماعه، به شتربانان خود ناسزا می گفت.

امام صادق علیه السلام شنید و از او انتقاد کرد. او گفت: آنها در حق من ظلم کرده اند. فرمود: ظلم کردن آنها بد است اما ناسزا گفتن تو زشت تر بود.

## ۲- پرهیز از مقابله به مثل

امیرالمؤمنین علی(ع) شنید که یک فردی به قنبر یکی از

یاران آن حضرت(ع) ناسزایی گفت، و او خواست مقابله

کرده و جواب دهد، حضرت(ع) به او فرمود: «يَا قَنْبَرُ

دَعْ!»، او را رهان کن. بعد فرمود: حال که از مقابله به

مثل، خودداری کردی، خدا از تو راضی شد: «تُرْضُ

الرَّحْمَنَ» و «تُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ»: شیطان از خودداری تو

عصبانی شد. و «تُعَاقِبُ عَدُوَّكَ»: فحش دهنده هم

شرمنده شد. (أمالی، مفید، ص ۱۱۸).

در حدیث داریم: حتی بازگو کردن فحش و فحاشی هم

اثر فحش و ناسزا گفتن را دارد: این مطلب شامل

محیطهای مجازی هم می شود. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی

الحدید، ج ۲۰، ص ۲۷۳).

### ۳- ادب در گفتار

قرآن در باره آداب سخن گفتن، می فرماید:

- نسبت به پدر و مادر: «قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء / ۲۳):

سخن کریمانه و عزتمند.

- نوع حرف زدن: «قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء / ۶۳): رسا باشد.

- «قَوْلًا لَيِّنًا» (طه / ۴۴): حرف ها نرم باشد.

- «قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (نساء / ۵) : حرف‌ها متعارف باشد.

- «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره / ۸۳): نیکو باشد.

- «يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء / ۵۳) : از بهترین

سخنان باشد.

#### ۴- ادب و عادت به ذکر خدا

قرآن می‌فرماید: ... اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ

أَصِيلًا « (احزاب/ ۴۲ و ۴۱) : ( ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید. و او را در هر صبح و شام

تسبیح نمایید (و به پاکی بستابید).





## رساله‌ی حقوق ، حق گوش



### ۱- حق گوش

امام سجاد(ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ السَّمْعِ...» یعنی؛ حق گوش آن است که باید دروازیان (نگهبان) آن باشیم. و از شنیدنی‌هایی که ارزش دارد استفاده کنیم. قرآن هم می‌فرماید:

«إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ...» ، (نساء / ۱۴۰) : (هرگاه شنیدید آیات خدا مورد کفر یا تمسخر قرار می‌گیرد با آنان، همنشینی نکنید تا به سخن دیگری مشغول شوند، وگرنه شما هم مانند آنان خواهید بود).

### ۲- گوش و سخنان نیکو

قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

...» ، (زمر / ۱۸) : (آنان که سخن را با دقت می‌شنوند و

بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده

و آنانند همان خردمندان هستند.)

پس از این آیه استفاده می‌شود:

اول): حرف‌ها را خوب گوش بدهیم.

دوم): صحیح و اشتباه بودن حرف‌ها و مطالب را بسنجیم،

حال! گوینده هر که و در هر سن و سالی باشد. اگر

حرفش منطقی است بپذیریم.

سوم): حرف‌های خوب و منطقی را فوری پذیرفته و به

آنها عمل کنیم.

و بر همین اساس است، متن و کتاب، فیلم و سریال و

همچنین مطالب متراکم و زیادی که در محیط‌های

مجازی هست. باید توجه کنیم که:

الف): آیا برای ما فایده دارد که عمر خود را صرف آنها

کنیم؟.

ب): آیا ما توان و قدرت تشخیص بین مطالب حق و

باطل و قوی و ضعیف را داریم؟.

ج): ما مسئول گوش و چشم و قلب خود بوده و باید از

آنها مواظبت کنیم. (إسراء / ۳۶)

د: آیا کاری غیر از این، اولویت ندارد؟. چون خداوند سفارش دارد که «أحسن: بهتر» را انتخاب کنید. پس ما حق نداریم هر کتابی و متنی را بخوانیم و هر فیلمی و منظره‌ای را نگاه کنیم چون ممکن است که قدرت تشخیص ما از مطالب و نکات و القاءات ضعیف باشد و در روح و فکر و اعتقادات ما اثر منفی بگذارد.



### ۳- توجه به سخن دانشمندان

می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الْاِسْتِمَاعَ مِنْ ذَوِي الْعُقُولِ مَاتَ عَقْلُهُ» (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۹۹). یعنی؛ بدون گوش

سپردن به سخن دانشمندان، عقل انسان می‌میرد. پس شایسته است که هر انسان، حداقل با یک دانشمند و اسلام شناس ارتباط و یا یک شماره تلفن از او داشته باشد که اگر سؤال و شبهه‌ای پیش آمد، بتواند با آن ارتباط برقرار نموده و مشکل خود را حل کند.

### ۴- گوش و تحقیق شنیده‌ها

ما حق نداریم هر حرفی را که شنیده و یا خوانده‌ایم ترتیب اثر داده، منتقل و بازگو کنیم. چه بسا شایعه و دروغ باشد. به خصوص در دنیای گسترده و بدون نظارت و کنترل صحیح دنیای مجازی، کار سخت‌تر و تکلیف‌ما مشکل و حسّاس‌تر می‌شود. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

«إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...» (حجرات / ۶)، اگر یک

فاسقی خبر آورد، تحقیق و بررسی کنید. تا صحت آن

ثابت شود.

عزیزان! محیط مجازی مثل دیواری است که یکی

بنویسد زنده باد فلانی و دیگری بنویسد مرده باد. این

چیزی نیست که بشود به آن اعتماد کرده و ترتیب اثر

داد.



## رساله حقوق (حق چشم)



امام زین العابدین (ع) فرمود: « و اما حق بصرک  
.... » : ( اما حق چشمت بر تو آنست که برگردانی آنرا  
از چیزی که خداوند ترا از دیدن آن منع نموده است و  
بیجهت بهر طرف و هر چیز نظر نکنی ؛ مگر در جائی که  
موجب پند و عبرتی باشد یا سبب بصیرت و بیداری  
گردد و یا علمی از آن استفاده شود زیرا چشم دروازه  
پند و عبرت گرفتن است).

### ۱- چشم و امانت الهی

پیامبر (ص) فرمود: «الْعَيْنُ أَمَانَةٌ»: چشم امانت است. مثلاً:  
اگر ماشین فردی را به امانت گرفتیم تا مریض خود را به  
بیمارستان برسانیم. حال! اگر با آن مسافرکشی کردیم، این  
خیانت در امانت است.

آری! چشم، امانت الهی است و اگر در مسیر الهی از آن  
استفاده شود، خیانت در امانت است. لذا راه تشکر از این  
نعمت و امانت، آن است که در مسیر رضایت خدا استفاده  
کنیم: (و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، شاید شما  
شکر کنید.) (نحل / ۷۸)

قرآن به مردان و زنان مؤمن می‌فرماید: « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ  
يَغْضُؤُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... » و « وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ  
أَبْصَارِهِنَّ... »

یعنی؛ به مردان و زنان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به  
نامحرم) فروگیرند.

## ۲- چشم و نگاه‌های ناروا

\* در حدیثی می‌خوانیم: تمام چشم‌ها در قیامت گریان است مگر  
سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید، چشمی که از گناه  
بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند و شب‌زنده داری  
و عبادت کند. « تفسیر کنزالدقائق ».

\* امام علی علیه السلام فرمود: «العین رائد القلب» چشم، دل  
را بدنبال خود می‌کشد. و «العین مصائد الشيطان» چشم،  
کمینگاه شیطان است. و چشم‌پوشی بهترین راه دوری از  
شهووات است. « غررالحکم »



### ۳- زکات چشم

هر چیزی مثل شتر و گاو و گوسفند و ووو زکاتی دارد. امام صادق (ع) فرمود: «زَكَاةُ الْعَيْنِ النَّظْرَةُ بِالْعِبْرَةِ» (مصباح الشریعة، ص ۵۱): زکات چشم هم، نگاه‌های عبرت و درس آموز است.

### ۴- نگاه‌های سفارش شده

مثلاً می‌فرماید:

— «النَّظْرَ فِي الْمُصْحَفِ» (کافی / ج ۲، ص ۶۱۴): نگاه کردن به قرآن.

— و نگاه به امام عادل، (مثل امیرالمؤمنین ع)

— و نگاه به کعبه و نگاه به صورت عالم عبادت است.

— و نگاه به آفرینش، که مایه شناخت و معرفت است: «و

إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه / ۱۸).

### ۵- نگاه و غذا

قرآن می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس / ۲۴)

: (پس باید انسان به غذای خود بنگرد). که: - آیا غذا حلال

است یا حرام؟ - بهداشتی است یا غیر بهداشتی؟.



## رساله‌ی حقوق ( حق دست )



امام زین العابدین (ع) فرمود: « و اما حق یدک  
: «.....»

ترجمه : اما حق دست بر تو آنست که به سوی حرام  
دراز نشود زیرا سبب عقوبت و و عذاب خداوند در  
آخرت و ملامت و سرزنش مردم در دنیا خواهد بود ؛  
و دستهایت را منع نکنی از چیزی که خداوند بر آن  
واجب نموده است . بلکه با استفادهء صحیح و مشروع ؛  
دستهایت را موقر و بزرگ نما به این بیان که از تمام  
چیزهای که حرام است دورش نگهداری و برای بدست  
آوردن آنچه که مفید است باز و آزادش گذاری ؛ پس  
در این صورت است که مورد احترام دیگران در دنیا و  
پاداش و اجر خداوند در آخرت قرار خواهی گرفت.

### ۱- دست، در فرهنگ اسلامی

در باره « دست » ، آیات و روایات زیادی داریم . در  
فرهنگ قرآنی، کلمه « دست » نشانه قدرت است. مثل

اینکه می‌گویند: فلانی در فلان اداره دست دارد. یعنی؛  
عامل نفوذی دارد. قدرتش می‌رسد.

اینکه قرآن می‌فرماید: «أُولَى الْأَيْدِي ...»: صاحبان  
دست‌ها. (ص / ۴۵). «یَد» : دست و «أیدی» : دست‌ها.  
یعنی؛ صاحبان قدرت‌ها.

کلمه‌ی «دست» در فرهنگ، کاربردهای مختلفی مثل  
دستگیری، دست‌اندازی، دست‌برد، دست‌کاری، دست  
ترحم و مهربانی، دست‌نوازی، دست‌مایه و برای احترام  
به دیگران، دست را به سینه می‌گذاریم.

## ۲- دست در وضو

قرآن می‌فرماید: (هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و

دستهایتان را تا آرنج بشویید.) (مائده / ۶)

پیامبر (ص) فرمود: «ایتینی بطشت»، یک تشت برایم  
بیاورید. تا من نحوه وضو گرفتن را یاد بدهم. و طبق  
روایات: «هكذا وضوء رسول الله» وضوی شیعیان، به

همان صورت و ترتیب و شکلی است که آن حضرت (ص) وضو گرفته‌اند.

### ۳- دست در قیامت

قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ» (آل عمران / ۱۸۲ و انفال / ۵۱): کیفر و عذاب الهی نشانه قهر خدا از عملکرد دستان خودتان است.

یکی از چیزهایی که برای ثبت اسناد در دنیا معتبر است سر انگشت (با نقش‌های دقیق و متفاوتی است که در آن) است. به صورتی که می‌گویند: سرانگشت هیچ انسانی با دیگری مثل هم نیست و این یکی از نشانه‌های قدرت خدا در خلقت انسان است.

حال! خداوند می‌فرماید: «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (قیامه / ۴): (بلکه ما قادریم (خطوط سر) انگشتان او را (به همان شکل که در دنیا بوده است بار دیگر در قیامت و زنده کردن انسان،) دوباره خلق کنیم.)

و در آیات دیگری می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينًا» یا «بِشِمَالِهِ»: نامه اعمال او را (در قیامت،) یا به

دست راست او و یا به دست چپ او می‌دهیم. (حاقه /  
۲۵)، و : «یوم یَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ» (فرقان / ۲۷)، :  
ظالم روز قیامت دو تا دستش را گاز می‌گیرد. چون  
بسیاری از ظلم و خیانت‌ها مثل امضای نابجا و دزدی  
وووو، با دست انجام می‌شود.

گروهی که در قیامت، دستان خود را از روی ناراحتی و  
حسرت، گاز می‌گیرند، (چون آنان کسانی هستند که در  
دنیا دوست ناباب و منحرف انتخاب کرده، که باعث  
انحراف آنان شده‌اند)، و می‌گویند:

( ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم... مرا  
گمراه ساخت. ) (فرقان / ۲۸ و ۲۹)



## ۴- دست و انفاق

گرچه انفاق و کمک به محرومان و مستمندان، در راه خدا، در قرآن و روایات معصومین(ع) زیاد سفارش شده و نشانه ایمان و سخاوت انسان و ذخیره برای قیامت و از طرفی هم از بخل ورزیدن مذمت و نکوهش شده است، اما در باره انفاق کردن فرموده: از افراط (زیاده روی) و یا تفریط، (کوتاهی و بخل ورزیدن هم) پرهیز و دوری شود. «اسرا/۲۹»



## رساله‌ی حقوق (حق پا: قدم برداشتن)



امام سجاده(ع) فرموده: « و اما حق رجلیک ... » :  
ترجمه : اما حق پاهایت بر تو آنست که از آن به عنوان  
وسیله ای برای رفتن به طرف حرام استفاده نکنی و پا را  
مرکب در راهی که سبب استخفاف و زبونی تو میشود  
قرار ندهی ؛ زیرا که این دو پا ترا حمل میکنند و سیر  
میدهند در مسیر دین و سبقت گرفتن در کارهای خوب  
و قوتی نیست مگر به قوت پروردگار.

### ۱ - قدم برای رفع مشکلات مردم

حدیث داریم: کسی که برای برداشتن مشکل مردم قدم  
بردارد مثل قدم برداشتن در راه مکه و بین صفا و مروه  
است. حتی اگر انسان حرکت کند برای رفع مشکل دیگران  
و به نتیجه هم نرسد اجر خود را دارد. چون قرآن می-  
فرماید:

« وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى » (نجم / ۳۹) : و این که

برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست.

**سؤال:** این آیه می‌فرماید: برای انسان بهره‌ای نیست مگر آنچه تلاش کرده باشد، در صورتی که در آیات و روایات دیگر می‌خوانیم که؛ انسان گاهی بدون تلاش و از طریق شفاعت، به بهشت وارد می‌شود.

**پاسخ:** چون ممکن است فردی با تربیت فرزند صالح، وقف و ساختن مسجد و حسینیه و بیمارستان و... ، قدمی بردارد اما تا این‌ها هست و مردم استفاده می‌کنند آن فرد حتی بعد از مرگش از خیرات آن‌ها بهره‌مند شود گرچه بعد از تأسیس قدمی برنداشته و مستقیماً سعی و تلاشی نکرده است.

## ۲- پا و دوری از تکبر

قرآن می‌فرماید: « **وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...** » ، (إسراء / ۳۷) : (و در زمین با تکبر و سرمستی راه مرو، قطعاً تو زمین را نخواهی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید).

و این از جامعیت اسلام اینکه علاوه بر مسائل اعتقادی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، برای کارهای جزئی مانند رفت و آمد بیرون خانه نیز دستور دارد. از جمله اینکه:

**الف:** « **وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ** » « **لقمان، ۶۱** » در راه رفتن، میانه‌رو باش.

ب: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» در زمین با تکبر و سرمستی راه نرو.

ج: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» «فرقان، ۶۳» بندگان خدا آناند که در زمین با آرامش و بی تکبر راه می روند.

د: از قارون ثروتمند هم انتقاد می کند که هنگام عبور در کوچه و بازار، با تکبر و جلال و جبروت ظاهر می شد. «قصص، ۷۹»

حضرت علی علیه السلام نیز از اوصاف متقین، راه رفتن متواضعانه را بر می شمارد. «وَمَشِيهِمُ التَّوَّاضِعُ» «نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳».

### ۳- پا و حفظ عفاف و تقوا

قرآن خطاب به خانم ها می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...» ، (نور / ۳۱)

( و به زنان با ایمان بگو: ... پای خود را به گونه ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. )



## رساله‌ی حقوق (حق شکم)



امام زین العابدین علیه السلام فرموده: «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ...»: حق شکم آن است که آن را ظرف حرام قرار ندهی، چه کم و چه زیاد. و در حلال‌ها هم میانه‌روی کنی. شکم پر، برای صاحبش کسالت می‌آورد. و نشاط را می‌گیرد.

### ۱- رعایت حلال و حرام

قرآن می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس / ۲۴): پس باید انسان به غذای خود بنگرد. برای آن است که بگاہ کند که این غذا چگونه و با همدستی چه عواملی بدست آمده است؟! آری!

ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی به کف آری و غفلت نخوری  
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار  
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

چون اگر ملاکهای معنوی نباشد، انسان و حیوان در کامیابی از غذا و طبیعت، در يك ردیفند.

## ۲- بهره‌گیری از غذا

نگاه کنیم به غذای خود، که این انرژی و قدرتی که از آن بدست می‌آید، در کجا و برای چه چیز مصرف می‌کنیم؟ آیا به نماز، که دستور خدا است اهمیت داده و بجا می‌آوریم؟ مطالعه مفید داریم؟ دست ناتوان را می‌گیریم؟

و لذا خداوند در کنار خوردن‌ها سفارشات معنوی و اخلاقی هم دارد؛

- یک جا می‌فرماید: «كُلُوا ... أَطْعَمُوا» (حج / ۲۸):  
بخورید و به دیگران هم انفاق کنید.

- و در آیه دیگر: «كُلُوا ... وَ اشْكُرُوا» (بقره / ۱۷۲):  
بخورید و شکر گزار خدا باشید.

- و در آیه دیگر: «كُلُوا ... وَ اعْمَلُوا صَالِحاً» (مؤمنون / ۵۱):  
بخورید و عمل صالح و کار خیری انجام بدهید.

- و در آیه دیگر: «كُلُوا ... لَا تُسْرِفُوا» (انعام / ۱۴۱) :

بخورید اما اسراف و پرخوری نکنید.

- و در آیه دیگر: «كُلُوا ... لَا تَطْغَوْا» (طه / ۸۱) :

بخورید، اما طغیان و بدمستی نکنید.

- و در آیه دیگر: «كُلُوا ... حَلَالًا» (بقره / ۱۶۸) : از

حلال بخوردید.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: حق خوردن و شکم آن است که تا گرسنه نشدید، نخورید، و قبل از سیر شدن کامل، کنار بروید.

بله! با هدایت اسلام، همه‌ی دستورات و سفارشات

پزشکی در خوردن رعایت می‌شود.

### ۳- مذمت از پرخوری

روایت داریم: بسیاری از مریضی‌ها از پرخوری و درمان

آنها با کم و مناسب خوری است.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده: «كَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ

بَطْنِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹) : شکم بر ما حاکم

نباشد.

در روایت آمده: (کافی/ج ۱۲، ص: ۲۹۰): بهترین  
حالاتی که انسان با خدا دارد، آن وقتی هست که شکمش  
سبک و سر خالی باشد، و بدترین آن‌ها شکم پر است.  
لذا در روایت آمده: روزه باعث سلامتی است: «صُومُوا  
تَصِحُّوا» (دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲).  
در روایت آمده: «ما آمن بی»: اگر کسی سیر باشد، و  
همسایه‌اش گرسنه، مسلمان نیست و به من (خدا) ایمان  
ندارد.





## رساله‌ی حقوق (حق نماز «ا»)

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ» (تحف العقول، ص ۲۵۸) : حق نماز آن است که بدانی مهمان خدا می‌شوی.

### ۱- جایگاه و آثار نماز

پانزده درصد هزاران روایاتی که از پیامبر و اهل بیت (ع) در باره مسائل اسلام و دین، آمده در باره اهمیت و جایگاه نماز است.

نماز در ادیان و پیروان دیگر انبیاء الهی هم بوده است؛

- حضرت عیسی (ع) می‌گوید: «أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ»

(مریم / ۳۱) : تا زنده‌ام (خداوند) مرا به نماز سفارش کرده است.

\_ و خدا به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ

لَذِكْرِي» (طه / ۱۴) : و نماز را بپادار تا به یاد من باشی.

\_ و مردم به حضرت شعیب (ع) می‌گفتند: « يَا شُعَيْبُ أ

صَلِّتْكَ... » : (ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که

(به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟).

(هود / ۸۷)

— و حضرت ابراهیم (ع) از خدا می خواهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» (ابراهیم / ۴۰).

قرآن می فرماید: «رَغْبًا وَرَهْبًا» (انبیاء / ۹۰): با رغبت و توجه نماز بخوانید. و امام زین العابدین (ع) می فرماید: نماز با خضوع باشد: «تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الذَّلِيلِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ» (تحف العقول، ص ۲۵۸).

آری! نماز بدون توجه و معرفت، اخلاص و خضوع، مثل میوه های مصنوعی و پلاستیکی، خاصیتی ندارد.

— نماز، یاد خدا است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِ اللَّهِ» (طه / ۱۴) و یاد خدا اطمینان آور و آرام بخش است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ» (رعد / ۲۸) و نتیجه اطمینان در مسیر حق، پرواز به سوی خدا و قرار گرفتن در میان بندگان خاص خدا است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ» (رعد / ۲۷ و ۲۸).

## ۲- مسجد در فرهنگ اسلام

مسجد که محل عبادت و نماز است و در قرآن و احادیث، کلمات نورانی پیامبر و امامان معصوم (ع) سفارش‌های زیادی بر اقامه نماز و به خصوص شرکت در نماز جماعت، در مسجد شده است، اما در حقیقت، مسجد پایگاه مهم دینی و فرهنگی است.

قرآن می‌فرماید: « **إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...** » : (مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند.)

«توبه/۱۸»

آری! مسجد، پایگاه مهم عبادی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت‌کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا. وگرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیشنمازان، افراد بی‌سواد و ترسو و خادمان نیز وارفتگان بی‌حال، طبعاً

مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.

پس اگر امام جماعت و متولی و مسئولین امور مسجد، شجاع باشند، مسجد نیز کانون حرکت‌های ضدّ ظلم خواهد بود.

### ۳- عبادت و نیت الهی

امام سجّاد (ع) در دعای مکارم الأخلاق می گوید: «وَ أَنْتَهُ  
بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ». «وَ أَنْتَهُ» خدایا! نیت مرا از  
بهترین (خالصترین) نیت‌ها قرار بده.





## رساله حقوق ، (حق نماز «۲»)



امام زین العابدین (ع) در باره حق نماز می فرماید: « فاما  
حق الصلاه ..... »

ترجمه : اما حق نماز پس بدان که آن حضور در  
محضر خداوند متعال است و تو در برابر خداوند  
متعال ایستاده ای ؛ پس وقتی متوجه این نکته شدی  
سزاوار برای تو آنست که حاضرشوی در این محضر  
مانند عبد ذلیلی که رغبت به تقرب و نزدیک شدن به  
مولایش را دارد و درحالیکه از او (به سبب گناهانت )  
هراس داری به لطف و کرم او امیدوارباش و  
بامسکنت و بیچارگی به تضرع و زاری بپرداز و حضور  
در محضر او را بزرگ بدان ؛ با آرامش جسم و جان و  
توجه کامل به معبود انس و جان تواضع و اظهار  
بیچارگی کرده آزادیت را از عذاب و آتش تمنا کن  
زیرا که گناهان و خطاها تو را در بند کشیده اند و  
بسوی هلاکت و نیستی برده اند ؛ و قوتی نیست مگر  
به قوت خداوند متعال.

بود که ایشان یک رساله‌ای نوشته‌اند، بالای پنجاه تا حق. از حق افراد، اول حق خدا و بعد حق بعد حق خودت (حق نفس)، بعد اعضای بدن: حق پا، حق دست، حق چشم، حق گوش، بعد حق عبادت‌ها. الآن توی حق‌هایی که داریم می‌گوییم، تو هر جلسه‌ای یک حقی یا دو حقی را می‌گوییم، الآن بحثمان حق نماز است که راجع به نماز چه می‌گویند.

## ۱- بجای آوردن حق کارها

قرآن می‌فرماید: در هر کار خیر و خوبی حق آن را ادا کرده و خوب انجام دهید. مثلاً: در تلاوت قرآن، «حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (بقره / ۱۲۱)، حق تلاوت را و در تقوا: «حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران / ۱۰۲)، حق تقوا را و در جهاد: «حَقَّ جِهَادِهِ» (حج / ۷۸). حق جهاد را ادا کنیم. به گفته مجاهدین و رزمندگان می‌گویند: تا آخرین نفس و آخرین قطره خون، باید در مقابل دشمن ایستاد.

البته! در آیه دیگر می‌فرماید: اگر توان ندارید حقّ آن کار را ادا کنید، حدّ اقلّ به حدّ توان در انجام آن تلاش کنید: «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (انفال / ۶۰).

## ۲- حق نماز

در آیات و روایات، مراحل برای بجا آوردن حقّ نماز، آمده است؛

الف): نماز آگاهانه. می‌فرماید: «حَتَّى تَعْلَمُوا» (نساء /

۴۳)، (در نماز توجه داشته باشید)، تا بدانید چه می‌گویید.

ب): نماز عاشقانه. امام حسین (ع) فرمود: «إِنِّي أَحَبُّ

الصَّلَاةِ»: من نماز را دوست دارم و به آن عشق می‌

ورزم.

ج): نماز خالصانه: «.... مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (غافر / ۱۴):

پس خدا را بخوانید در حالی که دین خود را برای او پیراسته

کرده‌اید. چون دعا و اظهار نیاز خالصانه‌ی شما، سبب رشد

شماست.

یکی از شرائط صحیح بودن عبادات و نماز، اخلاص -

(انجام آن فقط برای رضای خدا،) داشتن است: «قُلْ إِنَّ

صَلَاتِي ...»، «انعام/۱۶۲»: بگو: همانا نماز من و عبادات

من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان  
است.

بنابر این اگر در هر قسمت و مرحله از عبادات و نماز،  
اخلاص نباشد، باطل می‌شود. مثل توپ ورزش است که  
اگر سوراخ شود، بازی تعطیل می‌شود.

(۵): نماز خاشعانه: «هُمُ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون /  
۲): همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند. خشوع، نرمی  
قلب است.

(۵): نماز دائمی و مستمر: «عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»  
(معارج / ۲۳): آنان که بر نمازشان مداومت دارند.

## نیاز انسان به دین



### ۱- جهان بینی مادی یا الهی

جهان بینی، یعنی؛ آیا این دستگاه آفرینش صاحب دارد یا نه؟. یعنی؛ شعور و تدبیری بالای سر آن هست یا نه؟. آیا این دستگاه آفرینش آینده، معاد، حساب و کتابی دارد یا نه؟. آیا رفتار و کردار ما زیر نظر هست یا نه؟. به این نگاه و دید جهان بینی، گویند. پس چه نظر و دیدی درباره هستی، آفرینش و وجود خود، داریم.

حال! اگر به این نظر رسیدیم که این هستی، صاحب و حساب دارد، این را جهان بینی الهی گویند. اما اگر معتقد شدیم که دستگاه آفرینش، بی خالق و بی صاحب و بدون برنامه و حساب و کتاب و معاد است، آن را جهان بینی مادی گویند.

### ۲- انواع نیازهای انسان؛

\* انسان نیازهایی دارد؛ اول: نیازهای شخصی و مادی. مثل خوراك و پوشاك و مسكن. گرچه انسان روی زمین، تنها هم باشد به اینها نیاز دارد.

دوم: نیازهای اجتماعی. اگر مثلاً پانصد نفر بخواهند در يك مدرسه‌ای درس بخوانند و یا هزاران نفر در يك شهری زندگی کنند نیاز به مقررات و امکاناتی دارند.

سوم: نیازهای عالی

اگر بگوئیم: نیازهای انسان، (با شرافت و کمالی که برای او قائل هستیم)، فقط نیازهای شخصی (خوراک و پوشاک و مسکن)، است. خوب حیوانات هم که این نیازها را دارند. و اگر بگوئیم: نیازهای شخصی و اجتماعی. باز می‌بینیم که حیواناتی هم مثل زنبور، مورچه و موربانه هم اجتماعی زندگی کرده و قوانینی بر زندگی آنها حاکم است. بلکه بعضی از آنها در این امور از ما بهتر، دقیقتر و جلوتر هستند. پس شرافت و کرامت و برتری انسان به چیست؟.

پس شرافت، کرامت و برتری انسان به نیازهای فردی و اجتماعی نیست. چون حیوانات هم زندگی فردی و اجتماعی دارند. مثل زنبور عسل زندگی دستجمعی و ملکه و رهبری هم دارند.

آری! انسان علاوه بر نیازهای فردی و اجتماعی یکسری نیاز عالی هم دارد که عبارت است از شناخت و آگاهی به

سرچشمه هستی، شناخت هدف و سعی و تلاش برای تکامل،  
تا رسیدن به هدف و مقصود از خلقت و بروز استعدادها و  
اخلاق و رفتار انسانی را هم نیاز دارد.

### ۳- معنای دین؛

دین چیست؟ : دین یعنی؛ آگاهی و شناخت نسبت به  
سرچشمه هستی و اینکه این دنیا صاحب و خالق و زندگی  
انسان، حساب و کتابی دارد. و بجای اینکه ما در اختیار  
شیطان و هوس شیطانی و حیوانی خود و دیگران باشیم.  
مطیع دستورات خدا، خالق خود، باشیم.

شهید نواب صفوی (ره) می فرمود: انسان هر کالایی را که  
خریداری می کند، يك دفترچه هم همراه آن هست. این دفترچه  
ما را به بهترین راه استفاده از آن را راهنمایی می کند. قرآن هم  
کتاب راه زندگی از طرف خالق انسان است.





### ۱- اتمام حجت خداوند

خداوند با فرستادن انبیاء، قانون، کتاب آسمانی، دادن عقل و هدایت ما توسط انبیاء و امامان (ع)، حجت را بر ما تمام کرده است: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (انعام/ ۱۴۹). و برای رسیدن ما به کمال، دستوراتی را فرستاده و ما را بر انجام آنها تکلیف کرده است. پس تکلیف، شرافت و کرامت انسان است. ولذا هیچ حیوانی به تکلیف نمی‌رسد.

حال! برای رسیدن به آن کمال، اول انسان باید به آن دستورات، علم و آگاهی پیدا کند. لذا در قیامت از انسان سؤال می‌کنند: «أَكُنْتَ عَالِمًا» (أمالی طوسی، ص ۹) آیا وظیفه‌ات را می‌دانستی؟ و اگر نمی‌دانستی، «أَفَلَا تَعَلَّمْتَ» (بخارا لانوار، ج ۱، ص ۱۷۷) چرا برای آموختن آنها، اقدام و تلاش نکردی. به دانشمند، می‌گویند: چرا عمل نکردی؟ و به جاهل می‌گویند: چرا یاد نگرفتی؟.

حدیثی در کتاب «وافی» داریم که: خداوند از جاهل عهد و پیمان گرفته که سراغ عالم برود و بیاموزد و از عالم پیمان گرفته



که سراغ جاهل برود و به او بیاموزد و جاهل هم باید به سراغ عالم برود.

## ۲- تکلیف و قدرت

یکی شرایط تکلیف، قدرت است. قرآن می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/ ۲۸۶) : خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند). آری! تکالیف الهی، بیش از توان انسان نیست. اسلام، دین آسانی است، نه سخت‌گیری.

و در آیه دیگر: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) : یعنی؛ خدا برای شما آسانی را اراده کرده است. و اگر در انجام يك سري كارها و دستورات، انسان به زحمت می‌افتد، مثل جهاد، برای دفاع از وطن، دفاع از جان، مال و آبرو ووو، است که واجب است. و اگر انسان دفاع نکند، از حیوان عقب‌تر است. چون حیوان‌ها هم در مقابل حملات دفاع می‌کنند. پس شرف انسانیت اقتضا می‌کند که ما هم دفاع کنیم.

## ۳- تکلیف و عقل

از شرایط تکلیف عقل است. و این امر بسیار روشن است که انسان دیوانه تکلیفی ندارد. و اسلام به عقل و تعقل و

توجه به فهم و درک تکالیف و هدف، عنایت زیادی دارد. آیات زیادی در قرآن داریم که خداوند ما را به بکارگیری عقل و تحقیق و بررسی و درک اموری تشویق و ترغیب نموده و از کسانی که تعقل و تفکر نمی کنند، انتقاد می فرماید:

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند: پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده‌ای). (آل عمران/ ۱۹۱)

البته! عقل با حيله و خدعه فرق دارد. علی (ع) می فرماید: «العقلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ...» (کافی، ج ۱، ص ۱۱) : عقل آن است که ما را به راه خدا نزدیک کند.

#### ۴- تکلیف و «قربه الی الله»

انسان برای پیمودن راه تکامل، باید در راه مستقیم الهی قدم برداشته و تلاش کند. ولذا باید اعمال و تکالیف خود را بانیت «قربه الی الله» برای رضای خدا انجام دهیم. پس اگر واجبات، مثل نماز برای غیر خدا (مثلاً به قصد و نیت ریا و خودنمایی باشد)، من باطل است. چون قرآن می فرماید: «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/ ۱۱۰).

## رساله حقوق (صدقه: نیازمندان)



امام زین العابدین (ع) : « و اما حق الصدقه فان تعلم انها ذخرك عند ربك ... » :

ترجمه : اما حق صدقه پس بدان که آن ذخیره تو است در نزد پروردگار؛ و امانتی از تو نزد خداوند متعال که نیاز به شاهد ندارد ؛ پس وقتی متوجه این جهت شدی ؛ به آنچه که مخفیانه و بدون اطلاع دیگران نزد خداوند به امانت می گزاری بیشتر مطمئن باش تا آنچه را که به طور علنی و آشکاره.

### ۱- صدقه و قیامت

باید بدانیم که صدقه ذخیره برای قیامت ما است. قرآن می فرماید:

« مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ... » ، «نحل/۹۶» : ( آنچه نزد شماست به پایان می رسد، و آنچه نزد خداست باقی و پایدار است. ) .

مثل پولی را که ما در بانک سپرده می‌گذاریم،  
ناراحت نیستیم که تمام شد و از دست ما رفت.

## ۲- صدقه و منت گذاشتن

حضرت (ع) می‌فرماید: برای کمک خود به دیگران،  
بر آن‌ها منت نگذاریم.

صدقه دادن علامت ایمان است. و صداقت در ایمان  
به خدا و قیامت، ایجاب می‌کند که ما بر دیگرانی که  
به آن‌ها کمک کرده‌ایم منت نگذاریم. چون در  
حقیقت، خدا گیرنده صدقات است: «وَأَيُّهَا  
الصَّدَقَاتِ» (توبه / ۱۰۴).

ولذا خداوند در قرآن، از نماز و ادای زکاتی، (شامل  
همه نوع صدقه)، که با کسالت و اکراه و منت انجام  
می‌شود، انتقاد می‌فرماید: «وَهُمْ كَسَالِي» (توبه / ۵۴).  
«وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه / ۵۴). (مدثر / ۶).

و با توجه به اینکه خداوند مال انسان را بعد از  
زکات دادن، برکت داده و جبران می‌فرماید، جای

نگرانی و منت گذاشتن نیست. «يُرْبِي الصَّدَقَاتِ»  
(بقره / ۲۷۶). مثل چشمه آب زلالی که هر چه از آن  
برداشته شود، جای آن پُر می شود.

### ۳- صدقه، نشانه ایمان

«صَدَقَةٌ» و «صِدَاقٌ»، از «صِدَقٌ» است. «صَدَقَةٌ»، نشان  
صداقت در ایمان به خدا و «صِدَاقٌ» یا مهریه،  
نشانه‌ی صدق و راستی در علاقه به همسر است.  
اینکه می فرماید: «إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ» (انفال / ۴۱) یعنی؛  
پرداخت امور مالی در قالب صدقه، خمس و زکات  
نشانه ایمان است.



## رساله حقوق: حق نیازمندان (۲)



### ۱- حفظ کرامت نیازمندان،

به هنگام کمک به نیازمندان و محرومان، باید آبرو و کرامتشان حفظ شود و تحقیر نشوند. مثلاً: ما باید با کارمندهای شهرداری و رفتگرها، با عزت برخورد کرده و از بکار بردن الفاظ اهانت آمیز و سبک پرهیز و دوری کنیم. چون آنها برای راحتی و بهداشت و آسایش ما زحمت می کشند. لذا باید احترام آنها را حفظ کنیم. داستان تاریخی؛

امیرالمؤمنین علی (ع) با غلامش قنبر به بازار رفته و حضرت (ع) دو لباس، یکی معمولی و دیگری شیک تر و گرانتر، که به قنبر داد، قنبر گفت: شما امیرالمؤمنین و آقای من هستی چرا لباس بهتر و شیک تر را به من دادی؟! فرمود: تو جوان هستی و باید شیک پوش باشی. این عزت و کرامت زیر دستان است.

## ۲- بهترین نیکی

قرآن می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» ، (آل عمران / ۹۲)

(هرگز به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید، قطعاً خداوند به آن آگاه است.)

### \* چند داستان تاریخی؛

اول: ابوطلحه انصاری، بیشترین درختان خرما را در مدینه داشت و باغ او محبوب‌ترین اموالش بود. این باغ که روبروی مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده بود، آب زلالی داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله گاه و بی‌گاه وارد آن باغ می‌شد و از چشمه‌ی آن می‌نوشید. این باغ زیبا و عالی، درآمد کلانی داشت که مردم از آن سخن می‌گفتند. وقتی آیه نازل شد که «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى...» او خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: محبوب‌ترین چیزها نزد من این باغ است، می‌خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تجارت خوبی است، آفرین بر تو، ولی پیشنهاد من آن است که این باغ را به فقرای فامیل و بستگان خویش

دهی. او قبول کرد و باغ را بین آنان تقسیم کرد. « تفسیر کبیر  
و مجمع البیان؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۱. »

دوم: چند نفر مهمان ابوذر شدند، ابوذر گفت: چون من  
گرفتاری دارم، شما خودتان یکی از شتران مرا نحر و غذا تهیه  
کنید. آنها شتر لاغری را انتخاب کردند. ابوذر ناراحت شد و  
پرسید: چرا شتر فربه و چاق را نیاوردید؟ گفتند: آن را برای  
نیاز آینده تو گذاشتیم. ابوذر فرمود: روز نیاز من روز قبر من  
است. « تفسیر مجمع البیان. »

سوم: وقتی فاطمه زهرا علیها السلام را در شب عروسی به  
خانه شوهر می بردند، فقیری از حضرت پیراهن کهنه‌ای  
درخواست کرد. فاطمه زهرا علیها السلام به یاد این آیه «لَنْ  
تَنَالُوا الْبِرَّ...» افتاد و همان پیراهن عروسیش را به او بخشید.

چهارم: عبدالله بن جعفر، غلام سیاهی را دید که در باغی  
کارگری می کند، به وقت غذا سگی وارد باغ شد و در برابر  
غلام نشست. غلام لقمه‌ای به او داد، باز سگ با نگاه خود  
تقاضای غذا کرد، غلام غذای خود را لقمه لقمه به او داد تا  
تمام شد. از او پرسید: خودت چه می خوری؟



گفت: من امروز سهمی ندارم. پرسید: چرا این کار را کردی؟  
گفت: این سگ از راه دور آمده و گرسنه بود. عبدالله از  
فتوت این غلام تعجب کرد. آن باغ و غلام را خرید، غلام را  
آزاد کرد و باغ را به او بخشید. «تفسیر المنار»

### ۳- اولویت احسان و انفاق به والدین

قرآن می‌فرماید: « وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ  
بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... » ، «اسرا/۲۳» : ( پروردگارت مقرر  
داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر  
یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آنان  
«اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و  
بزرگوارانه سخن بگو. ) .

احسان به والدین، از صفات انبیاست. چنانکه در مورد حضرت  
عیسی علیه السلام، توصیف «بَرًّا بِوَالِدَيْهِ» «مریم، ۳۹»

اللَّهُمَّ نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِالْقُرْآنِ  
اللَّهُمَّ زَيِّنْ أَحْلَاقَنَا بِزِينَةِ الْقُرْآنِ  
اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا شَفَاعَةَ الْقُرْآنِ  
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا بِالْقُرْآنِ  
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَاتَنَا بِالْقُرْآنِ

# قرآن درسهایی از

موسسه تارویه قرآن هیکل آری  
موسسه تخصصی قرآن و حدیث و تفسیر  
شماره ثبت: ۱۳۳۸۱

آدرس سایت موسسه:

<https://tarvijequran.ir>

آدرس شبکه های اجتماعی:

<http://splus.ir/tarheonsebaquran1>



<https://eitaa.com/tarheonsebaquran>



<http://t.me/tarheonsebaquran>



<https://shad.ir/moravejan>





اگر انسان به معلم و  
 مربی نیاز دارد قرآن  
 بهترین معلم و مربی  
 است.  
 «یعلمهم ویزکیهم»



ویزکیهم  
 ویعلمهم  
 الکتاب  
 والحکمه

وزارت آموزش و پرورش  
 معاونت پرورشی و فرهنگی  
 اداره کل قرآن، عترت و نماز

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی  
 با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 شماره ثبت ۹۱۳۳۸

موسسه ترویج فرهنگ قرآنی  
 با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 شماره ثبت ۹۱۳۳۸